



کوروش احمدی

دیپلمات پیشین

تردیدی نیست که حاکمان جدید سوریه طی یک ماه اخیر گام‌های مهمی در جهت دولت‌سازی برداشته‌اند و موفقیت‌های قابل توجهی نیز در راستای اعتمادسازی در داخل کشور و در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی کسب کرده‌اند. آنها همچنین در تلاش بوده‌اند تا همسایگان را متقاعد کنند که به حفظ ثبات و امنیت در داخل و منطقه متعهد هستند. این موفقیت‌ها به‌ویژه از آن لحاظ حائز اهمیت است که فروپاشی حکومت ۵۴ ساله خانواده اسد، موجب تغییر موقعیت و هویت ژئوپلیتیک سوریه شده و منطقه را با تحولات مهمی در صفت‌بندی نیروها و محاسبات راهبردی بسیاری از کشورها مواجه کرده است. تحول در سوریه از این جهت نیز که ممکن است موجب محروم شدن روسیه از مهم‌ترین و قدیمی‌ترین متحد خود در خاورمیانه و از دست رفتن پایگاه‌های هوایی دریایی روسیه در مدیترانه شرقی و در جوار آفریقا و جنوب اروپا شود، می‌تواند عواقب جهانی داشته باشد.

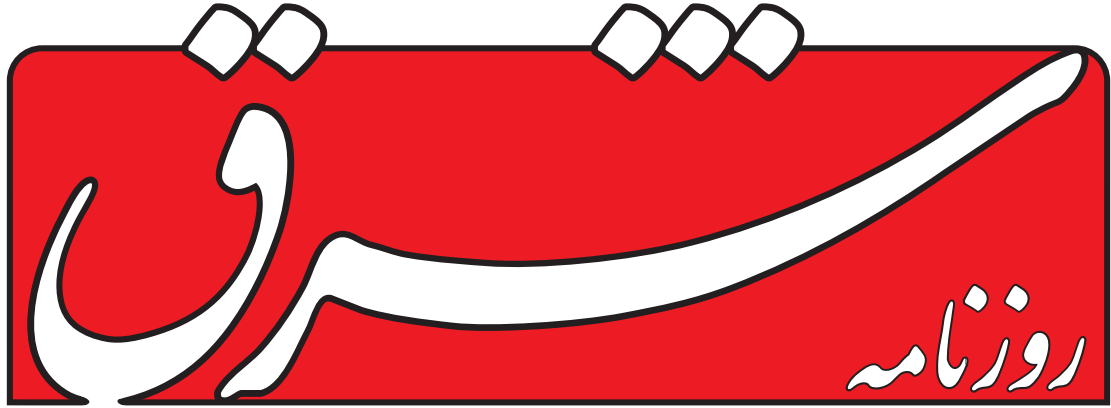
صرف‌نظر از ماهیت و ترکیب گروه‌های متحدی که دولت اسد را ساقت کردند، روشن است که این گروه‌ها در عملیات علیه دولت قبل کارآمد و منسجم عمل کردند و بعد از پیروزی نیز تاکنون توانسته‌اند رویکردی حساب‌شده و توأم با نظم و انضباط داشته باشند؛ به طوری که بسیاری از ناظران با توجه به عملکرد این نیروها در دوره قبل و بعد از غلبه بر رژیم سابق، از درک درست و توانایی آنها برای حکمرانی و کنترل اوضاع در کشور سخن می‌گویند. بدون تردید، اقداماتی که تاکنون رهبران جدید سوریه برای تطبیق خود با شرایط بسیار پیچیده و متحول داخلی و منطقه‌ای و جلب حمایت طیف متنوعی از کشورها انجام داده‌اند، یکی از نشانه‌های قابلیت آنهاست.

جامعه بین‌المللی نیز تاکنون نشانه داده که متوجه اهمیت موضوع است. اقدام سریع بسیاری از کشورها و تلاش آنها برای جلوگیری از شکل‌گیری وضعیتی مانند وضعیت لیبی و یمن بعد از سقوط دولت‌های قذافی و علی عبدالله صالح حائز اهمیت است. با توجه به اهمیت بسیار بیشتر موقعیت سوریه در مقایسه با موقعیت لیبی و یمن، بروز جنگ داخلی در سوریه می‌تواند عوارض گسترده‌تری مانند تجزیه سوریه و سرایت بحران به داخل کشورهای همجوار و بازترشدن دست اسرائیل برای مداخله در پی داشته باشد. در این رابطه بود که کنفرانس عقبه به‌سرعت برگزار شد و طی اعلامیه مورخ ۱۵ دسامبر فهرستی حاوی انتظارات جامعه جهانی از رهبران جدید سوریه، از جمله تأکید بر ضرورت تشکیل یک دولت انتقالی غیرفوق‌قذافی با مشارکت همه نیروهای سیاسی و اجتماعی، انتخابات آزاد و منصفانه، حقوق زنان و جامعه مدنی و... تأکید کرد. با توجه به نیاز سوریه به احیای اقتصادی و بازسازی، ممکن است جامعه بین‌المللی بتواند به نقش مؤثر خود در جهت‌دادن به تحولات در سوریه ادامه دهد.

سفر بسیاری از مقامات خارجی به دمشق و سفر وزرای خارجه و دفاع و مسئول اطلاعات دولت انتقالی سوریه به عربستان، قطر، امارات و اردن در این مورد حائز اهمیت است. انتخاب عربستان به عنوان مقصد اولین سفر خارجی مقامات دمشق از دو جهت مهم است: نخست اینکه می‌تواند حاکی از تمرکز این مقامات بر احیای اقتصادی سوریه باشد؛ با این فرض که عربستان و امارات می‌توانند کمک کنند و نیز اینکه بعید است کشوری مثل ترکیه توانایی لازم را برای کمک به احیای اقتصادی و بازسازی سوریه داشته باشد و کشورهای غربی نیز در کوتاه‌مدت حاضر به ارائه کمک به سوریه جدید نخواهند بود. دلیل دوم می‌تواند ناشی از تلاش مقامات دمشق برای رفع نگرانی تقریباً همه کشورهای عربی و در رأس آنها عربستان، امارات و به‌ویژه مصر از همسوس شدن سوریه جدید با محور اخوانی در منطقه باشد. این کشورها نگران آنند که سوریه به محور اخوانی با محوریت ترکیه و قطر بیبندد. این سفرها ممکن است به این معنی باشد که حاکمان جدید سوریه قصد دارند سیاست‌های عمل‌گرایانه‌ای را دنبال کنند و خود را درگیر صفت‌بندی‌های نظری و ایدئولوژیک در منطقه نکنند و روابط خود را با تمامی کشورهای منطقه توسعه دهند. از طرفی، اگرچه به نظر می‌رسد ترکیه بزرگ‌ترین برنده تحولات سوریه و

فعلاً بر نفوذترین کشور در سوریه است، اما هنوز برای قضاوت در این مورد زود است.

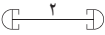
سه‌شنبه ۱۸ دی ۱۴۰۳
۶ رجب ۱۴۴۶
۷ ژانویه ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۲۰
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



روزنامه

بقای با اعلام تاریخ دور جدید گفت‌وگوها با رابا در زو:

ایران هیچ وقت از میز مذاکره فرار نکرده است



در «شرق» امروز می‌خوانید: واکنش برق حرارتی به گزارش «شرق» • امید زلنسکی به توافق با ترامپ • درباره آثار کوروش بیگ‌پور، گرافیست ایرانی؛ مدافع تصویری ایران شهری

«شرق» سرانجام یک مصوبه برای کاهش شکاف نرخ خودرو در کارخانه و بازار آزاد را بررسی می‌کند

# اصلاح نافرجام قیمت خودرو

گفت‌وگو با صادق زیباکلام؛ از سیاست تا سؤالی که زیاد از او می‌پرسند  
آخرش چه می‌شود



برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید

نگاهی به وضعیت ایران در تقابل ترامپ با چین در گفت‌وگو با محمد کشاورز زاده  
پکن سیاست خود را تغییر نمی‌دهد



این گفت‌وگو را در صفحه ۴ بخوانید. عکس: سیدنازنگی تاشی

برگزیده‌ها

در شرایطی که نظرسنجی‌ها از شکست لبرال‌ها می‌گویند

## استعفای نخست‌وزیر کانادا

ظفرقندی به مجلس فراخوانده شد

ردپای مدیران پیشین وزارت بهداشت در تشدید بحران دارویی

## نگذارید سینا فراموش شود

توسط بانک صادرات ایران صورت گرفت

تجلیل از مدال آوران المپیک ۲۰۲۴

گزارش چهارم کیفیت اینترنت در ایران منتشر شد  
از فریب آماری Speed Test تا افزایش ۲۰برابری کاربران ایرانی

یادداشت

کلامی که جای آن خالی است



حسین حسینی

کارشناس اقتصادی

۱- ارزش بازار سرمایه کشور را حدود ۱۳۰ میلیارد دلار تخمین می‌زنند. این در حالی است که ارزش بورس عربستان بیش از دو هزار و ۶۰۰ میلیارد دلار، امارات ۹۰۰ میلیارد دلار و ترکیه حدود ۴۳۰ میلیارد دلار برآورد می‌شود. در این میان عربستان به «کلوب یک تریلیون دلاری»‌ها تعلق دارد که ۱۶ کشور جهان از آمریکا و ژاپن و چین و انگلستان تا تایوان و برزیل و آفریقای جنوبی عضو آن هستند. ارزش بورس ایران معادل ارزش یک بنگاه متوسط آمریکایی و اروپایی است. بنگاه‌هایی که عمدتاً اساسشان بر فناوری است و در مساف اول نوآوری قرار دارند و دو شرکت اول این فهرست یعنی آمازون و آلفابت معادل ارزش بورس ایران را در سال گذشته صرف تحقیق و توسعه کرده‌اند (ژانویه ۲۰۲۰) و ۸۵.۲ آلفابت ۴۵.۹ میلیارد دلار). بنگاه‌های صنعتی ایران اما وابستگی حیاتی به نفت و گاز دارند و بخشی با ارزش حاصل از صادرات نفت و بخشی دیگر، با انرژی و خوراک برآمده از گاز به حیات خود ادامه می‌دهند و هر روز نیز وابسته‌تر به انرژی شده‌اند و «بهره‌گیری از گاز و برق فراوان در دو دهه اخیر بیش از سه برابر شده است».

یادداشت

## برنامه‌های درسی ناکارآمد

یکی از عوامل تشدید میل به مهاجرت جوانان در ایران



زهراکویا

استاد بازنشسته آموزش ریاضی دانشگاه شهید بهشتی

خواهد رسید. طبیعی است که در چنین شرایطی، میل به مهاجرت زبادت شود. جوانان ما افراد توانمندی هستند که ۱۲ سال تحصیل‌شان را صرف رسیدن به آرزای به نام دانشگاه کرده‌اند. اما وقتی وارد دانشگاه می‌شوند، می‌بینند از آن فضای آرزای تعالی بخش خیری نیست! انگار در دستان و دبیرستان آزادی عمل بیشتری داشته‌اند. رویا که فرو بریزد، دانشجو به یک‌باره آسیب می‌بیند. اگر واقعا مسئولان نگران افزایش سیل مهاجرت هستند، باید کاری بکنند که مهم‌ترینشان، شناخت نسل‌هایی است که قصد ورود به دانشگاه دارند تا متناسب با آن، روش‌های گفت‌وگوی خود را با دانشجویان اصلاح کنند. و از طریق تعامل با آنان، علت تلاش برای مهاجرت‌شان را شناسایی کنند. درحالی که متأسفانه، در این زمینه اقدام‌های زیربنایی کمتر صورت گرفته و بیشتر به معلول‌ها پرداخته شده است. شیوه‌های رویارویی هم اغلب قهری و سلبی بوده است که واقعیت نشان می‌دهد عملاً کارایی نداشته و حتماً هم نخواهند داشت.

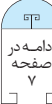
در گذشته، شرایط ورود به دانشگاه به‌گونه‌ای بود که اگر افراد به هردلیلی طی ۱۲ سال، فرصت کافی را برای درس خواندن جدی از دست می‌دادند، می‌توانستند با تلاش و خودخوانی، آن را جبران کنند و با تلاش و برنامه‌ریزی، به دانشگاه مورد نظرشان وارد شده و در رشته تحصیلی مورد علاقه‌شان تحصیل کنند. این درحالی است که طی آن ۱۲ سال، چیزهای مختلفی مانند هنر، زبان، ادبیات، زندگی‌کردن و آداب آموختن و بسیاری چیزهای دیگر را یاد می‌گرفتند و تجربه و مهارت کسب می‌کردند تا بتوانند ذوق و استعداد خود را بیابند. با این توانایی‌ها، اگر در یک یا چند درس هم فرصت یادگیری را از دست می‌دادند، می‌توانستند با توانایی‌های خود، آن را جبران کنند. در واقع، بعضی از دانشگاه‌ها، بسیار فعال‌تر از زمان حال بودند. برنامه‌های فرهنگی مانند بازیگری، شعرخوانی، مسافرت، بازدید از مکان‌های تاریخی و فرهنگی و دعوت از شخصیت‌های الهام‌بخش ادبی و هنری و فرهنگی از بیرون فراوان بود و دانشجویان با علاقه، در آنها شرکت می‌کردند. اما اکنون فضای علمی و فرهنگی دانشگاه‌ها، بیشتر حالت بکنواختی و القایی پیدا کرده است و جذابیت کمتری برای دانشجویان دارد.

وقتی فرهنگ و ادبیات را القایی کنند، از ماهیت اصلی خارج شده و به ضد خود تبدیل می‌شود. حتی در کارهای ورزشی که دانشجویان مشارکت می‌کنند، تحرکی که در راستای ارضای خواسته‌های طبیعی‌شان باشد، کمتر دیده می‌شود. دانشجویان وقت کمتری را صرف بحث و گفت‌وگو با هم می‌کنند و در نتیجه، گفتمان معنادار بینشان دیرتر شکل می‌گیرد و این فضا، باعث خستگی و دزدگی‌شان از دانشگاه می‌شود.

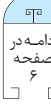
جوانی که آگاه و با جهان‌پیرامون خود در ارتباط است، فکر می‌کند چرا باید عمرش را در فضایی بگذراند که «اجبار» احاطه‌اش کرده است. چنین جوانی با خود می‌اندیشد که شاید با ایجاد تغییر در جغرافیای زندگی‌اش، به اهداف خود

دانش آموزان خلاق و نوآور که برایشان مهم است که رشته دانشگاهی خود را مطابق با علایق و آرزوهای خود تصور کرده‌اند، انتخاب کنند. کم کرده است. در نتیجه این خطر جدی وجود دارد که بیشتر کسانی وارد دانشگاه بشوند که تنها بر چند درس متمرکز شده‌اند و به اصطلاح، سرشان را از دفتر و کتاب بیرون نیاورده‌اند و برای آینده خود، وقت نگذاشته‌اند. افرادی با این تجربه محدود از دنیای بیرون از چند درس، وارد دانشگاه می‌شوند، زودتر به مشکل برمی‌خورند و زودتر به فکر مهاجرت می‌افتند، زیرا توانایی رویارویی با چالش‌ها را پیدا نکرده‌اند. آنها انرژی و وقت زیادی را برای بالا بردن نمره و معدل گذاشته‌اند و به دلیل برخورداری مالی والدین، توانسته‌اند چون فرصت زیستن طبیعی را از دست داده‌اند و آموزش گلخانه‌ای داشته‌اند، در همان نیم‌سال اول ورود به دانشگاه، با ضربه‌های سهمگین واقعیت مواجه می‌شوند! آنها وقتی می‌بینند که دانشگاه، با بهشت آرزای‌شان فاصله زیادی دارد به فکر کندن و رفتن می‌افتند که دردناک است.

وقتی افراد با چنین شرایطی وارد دانشگاه می‌شوند، خستگی ۱۲ سال تحصیل به آنها فشار می‌آورد. خستگی زندگی نکردن، شاد نبودن و تحت فشار بودن، باعث می‌شود به این فکر بیفتند که زندگی‌ام را گذاشتم و با فشار والدین و اجتماع به محیطی آمدم که در انتخابش، اختیاری نداشتم. پس چرا باید ادامه دهم؟! در چنین شرایطی طبیعی است که دانشجویان به فکر مهاجرت باشند. نحوه ورود به دانشگاه‌ها به‌گونه‌ای شده که در اکثر موارد، فرصت را از افراد کم‌برخوردار اما توانمند، غیرمتمرکز ولی وسیع و نخبه اما کنجکاو و جست‌وجوگر، گرفته و می‌گیرد و چنین رقابت بی‌معنایی را «کنکور» می‌نامد! در صورتی که مشکل اصلی در چیزی به نام کنکور نیست، بلکه روشی است که با شتاب زیاد، فرصت برابر را از دانش‌آموزان می‌گیرد و ورود به دانشگاه را عملاً محدود به دانش‌آموزان مدارس ویژه خانواده‌های برخوردار اقتصادی می‌کند که اتفاقاً به پشتوانه امکاناتی که دارند، در صف اول مهاجرت‌ها قرار دارند! مسئولان و سیاست‌گذاران آموزش عالی، باید که این روایت را از منظری وسیع‌تر نگاه کنند و با انجام پیامی‌ها و آمایش‌های فوری، ابعاد این وضعیت را شناسایی کرده و مبنای اصلاح تصمیم‌های گرفته شده قرار دهند. مثلاً اتفاقی که در دوم آذر ۱۴۰۳ برای دانشجویان ایرانی در شهر کاران روسیه افتاد، حقایق جدیدی را آشکار کرد که صرف‌نظر از جنبه سیاسی این اتفاق، وجه آموزشی و عدالت آموزشی آن قابل تأمل بود. جامعه متوجه شد که چگونه خانواده‌های برخوردار این رشته‌ها، در دارند که اگر فرزندان در رشته‌ای که برایش برنامه‌ریزی کرده بودند قبول نشد، او را به هر جایی در خارج از ایران که با پول، امکان ورود به دانشگاه داشته باشد بفرستند و پس از یک یا دو نیم‌سال تحصیلی، او را با پول هنگفتی، به اصطلاح «تبدیل به داخل» کنند تا در یکی از رشته‌های مورد نیاز تحصیل کند. ادامه تحصیل مطلوبش مثلاً پزشکی، ادامه تحصیل بهد.



ادامه در صفحه ۷



ادامه در صفحه ۶

بازگشت همه به سوی اوست

دکتر سید رضا رئیس طوسی ماوی جدید برگزید، عاش سعید و مات سعید.

کمتر شخصی زندگی به‌غایت پاک و انسان‌گرا، جوانان او از خود به‌یادگار گذاشته است. از هر گفته‌ای، نکته‌ها و از هر نکته‌ای گوشه‌ای از برجستگی‌های اخلاقی، انسانی، علمی و دینی این فرخنده‌مرد روزگار ما رخ می‌نماید. به‌نهایت خود انسانیت را و مردم را و جامعه را و کشور را از برکات وجود خود، برنصب و بهره‌مند نمود. خداوند درجاتش را متعالی‌تر و حیات طیبه سرشار از لذات معنوی نصیبش فرماید. این دعا خواست تمامی آنانی است که او را از نزدیک مشتاقانند.

مجلس یاد و بازگذاشت ایشان روز پنج‌شنبه ۲۰ دی ماه، ساعت ۱۴ الی ۱۶ کانون توحید واقع در میدان توحید، خیابان پرچم برقرار است. برای یاد‌ینی‌های آن مرحوم و درخواست از خداوند که او را علو در جات مرحمت فرماید

منصور آسیم، عنایت اتحاد، علیرضا بهشتی، احمد تابنده، رضا تهرانی، حمید رضا جلانی پور، هادی خانیکی، حسین راغفر، مصطفی رخ‌صفت، عبدالملکی رضانی، عبدالله رمضانزاده، بهرام سعیدی، تقی شامعی، احمد شامعی، عبدالکریم سرون، ماشاءالله شمس‌الواعظین، احمد صدیق احمد عزیز، مسعود غفاری، محمد مهدی مجاهدی، سید حمید نوحی